



Research paper

The Impact of Political Factors on Security in the Southeastern Region of Iran

Ali Jahanshahi

Assistant Professor, Strategic Defense Sciences Department, National Defense Faculty, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Ali Asghar Beik-Bilandi

Associate Professor, Geopolitics and Geo-Strategy Department, National Defense Faculty, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Alireza Rahchamani

Ph.D. Student in Military Strategic Management, National Defense Faculty, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Ali Saraqi

Ph.D. Student in Military Strategic Management, National Defense Faculty, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Mostafa Moslemi

Ph.D. Student in Military Strategic Management, National Defense Faculty, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Morteza Makhdoomi

Ph.D. Student in Military Strategic Management, National Defense Faculty, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Abstract

Security, as the cornerstone of societal stability and development, is profoundly influenced by political factors particularly in the country's sensitive and strategic regions. The southeastern region of Iran, especially Sistan and Baluchestan Province, represents one of the most complex security environments due to its unique geopolitical location and multifaceted challenges, including weak governance, socio-ethnic divisions, infiltration by terrorist groups, and cross-border smuggling. Moreover, the policies of neighboring states and the absence of effective regional cooperation have further exacerbated border tensions and instability. This study adopts an analytical-descriptive approach to examine how national macro-policies, international relations, and border management practices contribute to either the aggravation or mitigation of insecurity in the region. The findings highlight that effective border governance, coherent national policymaking, and constructive international engagement alongside balanced regional development and the reduction of social inequalities are key to enhancing security in southeastern Iran. Additionally, empowering political elites, improving socio-economic infrastructure, and strengthening social cohesion can collectively foster sustainable security and regional development. Overall, the study underscores the importance of optimizing political capacities and promoting regional cooperation to counter persistent security threats, thereby offering practical policy recommendations for improving the region's security landscape.

Keywords: Political factors, Security, Regional Security, Policy.



تأثیر عوامل سیاسی در امنیت منطقه جنوب شرق کشور

علی جهانشاهی

استادیار گروه علوم دفاعی راهبردی، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

علی اصغر بیک بیلندی

دانشیار گروه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

علیرضا راهچمنی

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

علی سراقی

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

مصطفی مسلمی

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

مرتضی مخدومی

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

چکیده

امنیت به عنوان زیربنای ثبات و توسعه جوامع، ارتباط تنگاتنگی با عوامل سیاسی دارد که در مناطق حساس و راهبردی کشور نقش تعیین کننده ای ایفا می کنند. منطقه جنوب شرق ایران، به ویژه استان سیستان و بلوچستان، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خاص و وجود چالش هایی مانند ضعف حاکمیت قانون، شکاف های اجتماعی-قومی، نفوذ گروه های تروریستی و قاچاقچیان، یکی از پیچیده ترین مناطق امنیتی کشور محسوب می شود. همچنین، سیاست های کشورهای همسایه و نبود همکاری منطقه ای مؤثر، تنش ها و بی ثباتی های مرزی را تشدید کرده است. این پژوهش با روشی تحلیلی-توصیفی، به بررسی نقش سیاست های کلان ملی، تعاملات بین المللی و مدیریت مرزها در ایجاد یا کاهش ناامنی می پردازد. یافته ها نشان می دهد که مدیریت کارآمد مرزها، سیاست گذاری های کلان ملی و تعاملات بین المللی، همراه با توسعه متوازن و کاهش شکاف های اجتماعی، از مهم ترین راهکارهای ارتقاء امنیت در جنوب شرق کشور است. همچنین، توجه به نقش نخبگان سیاسی، ارتقاء زیرساخت های اقتصادی-فرهنگی و تقویت همبستگی اجتماعی، می تواند زمینه ساز امنیت پایدار و توسعه پایدار منطقه باشد. این مطالعه بر ضرورت بهره گیری بهینه از ظرفیت های سیاسی و همکاری های منطقه ای برای مقابله با تهدیدات امنیتی تأکید دارد و راهکارهایی عملی برای بهبود وضعیت امنیتی ارائه می دهد.

کلیدواژه ها: عوامل سیاسی، امنیت، امنیت منطقه ای، سیاست

شاپا الکترونیک: ۲۹۸۰-۸۲۱۹ ♦ دانشگاه عالی دفاع ملی / فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک



<https://sds.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 2980-8286



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.

مقدمه

«و میان آن‌ها و سرزمین‌هایی که با برکت کرده بودیم، آبادی‌های آشکاری قراردادیم و سفر میان آن‌ها را به‌طور متناسب مقرر داشتیم. در امنیت کامل می‌توانید در شب و روز در میان این آبادی‌ها تردد نمایید» (سوره سبأ، آیه ۱۸).

امنیت، زیربنای اصلی ثبات و پیشرفت جوامع است که بیش از هر چیز به کارآمدی نظام سیاسی و مدیریت صحیح مؤلفه‌های قدرت و حاکمیت وابسته است. در این راستا، عوامل سیاسی نقش اساسی در تأمین امنیت مناطق حساس و راهبردی کشور ایفا می‌کنند. نظام‌های سیاسی از طریق سیاست‌گذاری‌های ملی، دیپلماسی منطقه‌ای و تنظیم مناسبات بین‌المللی، محیط امنیتی خود را شکل داده و از چالش‌های امنیتی پیشگیری می‌کنند.

منطقه جنوب شرق کشور، به‌ویژه استان سیستان و بلوچستان، به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خاص، از اهمیت راهبردی بالایی برخوردار است. عواملی چون ضعف در حاکمیت قانون، نبود توسعه متوازن، شکاف‌های اجتماعی و قومی و نفوذ بازیگران غیردولتی مانند گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان مواد مخدر، این منطقه را به یکی از پیچیده‌ترین عرصه‌های امنیتی کشور تبدیل کرده است. علاوه بر این، سیاست‌های کشورهای همسایه نظیر افغانستان و پاکستان و فقدان همکاری مؤثر منطقه‌ای، موجب گسترش تنش‌ها و بی‌ثباتی‌های مرزی شده است.

نقش عوامل سیاسی در این منطقه از مدیریت کارآمد مرزها تا سیاست‌گذاری‌های کلان ملی و تعاملات بین‌المللی گسترده است. در این پژوهش تلاش می‌شود با تمرکز بر ابعاد سیاسی مسئله، مؤلفه‌های تأثیرگذار در تقویت یا تضعیف امنیت این منطقه شناسایی و تحلیل شوند. هدف این تحقیق، ارائه راهکارهایی برای بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های سیاسی در راستای دستیابی به امنیت پایدار در جنوب شرق کشور است.



۱. پیشینه پژوهش

محمدرضا شعبانی اصل (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان: «راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران در استان سیستان و بلوچستان مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیکی»، به بررسی الگوی ارتقا جایگاه ژئوپلیتیکی کشور در سطح منطقه با تأکید بر نیازهای دفاعی- امنیتی پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان داد چهار بُعد الگوی ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه با تأکید بر نیازهای دفاعی- امنیتی احصا شده که ارتقای مستمر قدرت ملی، نقش‌آفرینی در هندسه قدرت منطقه‌ای و جهانی، علایق ژئوپلیتیک کشور و توسعه وابستگی پدیده‌های رشد منطقه‌ای و جهانی به فضای ملی جمهوری اسلامی ایران به صورت مکمل بر این الگو تأثیرگذار است ولی میزان تأثیرگذاری متفاوت است. بُعد ارتقای مستمر قدرت ملی، تأثیرگذارتر از سه بُعد دیگر بر قدرت و منزلت و جایگاه ژئوپلیتیک کشور است. بین ارتقای مستمر قدرت ملی با الگوی جایگاه ژئوپلیتیکی یک همبستگی مستقیم، مثبت و بالایی وجود دارد. دومین بُعد تأثیرگذار بر ارتقای جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران، نقش‌آفرینی در هندسه قدرت منطقه‌ای و جهانی است.

محسن خلیلی باصری (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان: «الگوی ارتقای امنیت جنوب شرق کشور بر اساس توسعه پایدار (مطالعات موردی مرز مشترک ایران و پاکستان)» به بررسی الگوی ارتقای امنیت جنوب شرق کشور بر اساس توسعه پایدار و ابعاد الگوی ارتقای امنیت جنوب شرق کشور بر اساس توسعه پایدار پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان داد مسئولین اولویت خود را ابتدا به روابط سیاسی و سپس روابط امنیتی و روابط اقتصادی بدهند. رتبه‌بندی فریدمن نیز اولویت را به همگرایی در موقعیت‌های ژئوپلیتیکی، گذرگاهی و ارتباطی، سپس به تأمین سوخت و انرژی مورد نیاز پاکستان توسط ایران جهت جذب

این کشور و سپس تلاش در جهت استقرار صلح، ثبات و امنیت مرزی بین دو کشور باید داده شود.

حسین ذوالفقاری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان: «طراحی الگوی راهبردی تحکیم و ارتقای امنیت در استان سیستان و بلوچستان» به بررسی الگوی راهبردی تحکیم و ارتقای امنیت در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان پرداخته‌اند. در این تحقیق با بهره‌گیری از ادبیات و مبانی نظری و مصاحبه با نخبگان و صاحب‌نظران موضوع، پرسش‌نامه در ابعاد جغرافیای طبیعی و انسانی، مدیریتی، عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی، عوامل نظامی و انتظامی، عوامل قضایی و قانونی تدوین و در یک نمونه آماری ۱۴۰ نفری مورد آزمایش و بررسی قرار داده‌اند. با توجه به تجزیه و تحلیل نتایج زیر حاصل گردید: بین تمامی عوامل جغرافیای طبیعی و انسانی، مدیریتی، عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی، عوامل نظامی و انتظامی، عوامل قضایی و قانونی ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین این عوامل به ترتیب زیر دارای اهمیت و اولویت است؛ مدیریتی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و انتظامی، قضایی و قانونی، فرهنگی و اجتماعی، جغرافیای طبیعی و انسانی.

آرش قربانی سپهر و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان: «تهدیدهای امنیتی مانعی در تحقق توسعه پایدار مناطق مرزی، نمونه پژوهی: جنوب شرق کشور» به بررسی مؤلفه‌های تهدیدزای امنیتی در منطقه مرزی جنوب شرقی کشور پرداخته‌اند. نتایج تحقیق وی نشان داد که استان سیستان و بلوچستان به دلیل قرار گرفتن در موقعیت راهبردی و حساس از این تهدیدات تأثیر پذیرفته و زمینه ناامنی ایجاد کرده است که ازجمله آن ترانزیت مواد مخدر، قاچاق کالا و وجود اتباع بیگانه، کم‌آبی و به تبع آن خشک‌سالی است. از همین رو اگر سیاستمداران و سیاست‌گذاران با همکاری نخبگان دانشگاهی نتوانند سناریوهای مناسبی برای کاهش این تهدیدات در یک دهه ارائه دهند، شرایط



زندگی از منظر توسعه پایدار در این فضای جغرافیایی بسیار سخت می‌شود و زمینه ناامنی هرچه بیشتر را فراهم می‌آورد. بر این اساس با هم‌افزایی و همکاری هرچه بیشتر می‌توان از ظرفیت‌های موجود استان در جهت پایداری و پویایی آن استفاده کرد و زمینه توسعه پایدار را در این استان فراهم آورد تا شهروندان این استان بتوانند در شرایطی امن و با احساس امنیت بالا زیست کنند که این می‌تواند بر ارتقای امنیت ملی کشور تأثیر بگذارد و زمینه همبستگی و وحدت ملی شود.

حسن پولادی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان: «الگوسازی عوامل تأمین‌کننده امنیت پایدار مرزی؛ (مطالعه موردی مرزهای شرقی ایران)» به بررسی عوامل تأمین امنیت پایدار در مرزهای شرقی کشور پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که موضوعاتی همچون از بین بردن فقر فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، منابع و پتانسیل‌های بالقوه از جمله نخبگان منطقه، ایجاد و بهینه‌سازی زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، گسترش توسعه سیاسی و بازی با افکار عمومی در تصمیمات و تصمیم‌سازی‌ها، تمرکز بر ساخت هویت درون‌زا در اقشار مردم منطقه، افزایش توان نظامی داخلی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و میزان هوشمندی و خرد رهبران از جمله موضوعاتی است که در زمره شرایط علی ایجاد امنیت پایدار در مرزهای شرقی کشور هستند. همچنین قاچاقچیان بین‌المللی، اشرار و اقدامات آن‌ها، محرومیت‌های فرهنگی ناآگاهی و بی‌سوادی، عقب‌ماندگی اقتصادی از سایر استان‌ها، فقدان زیرساخت‌های حمل‌ونقل، بیکاری، امکانات پزشکی، نحوه تعامل نخبگان با موضوع، دسترسی آسان به سلاح و خرید و فروش، حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای از درگاه اقلیت‌های قومی و مذهبی، حمایت مالی از تفرقه داخلی، منابع مشترک با همسایگان، شیوع اندیشه‌های وهابی، انزوای جغرافیایی ویژگی‌های خاص مرز، شرایط محیطی، موقعیت ژئوپلیتیک کشور و استان، حساسیت‌های قومی و

مذهبی منطقه، گروه‌های معاند و مشکلات کارکنان مرزی ازجمله شرایط مداخله‌گر در تأمین امنیت پایدار مرزهای شرقی کشور است. گسترش زیرساخت‌های اقتصادی-زیست‌محیطی، زیرساخت‌های امنیتی- پدافند غیرعامل، زیرساخت‌های فرهنگی- اجتماعی، زیرساخت‌های سیاسی- قانونی و زیرساخت‌های مذهبی در زمره عوامل زمینه‌ای در این مدل قرار می‌گیرند.

۲. مفهوم‌شناسی

تأثیر: تأثیر به معنای قابلیت یا توانایی یک عامل در تغییر یا تغییر دادن وضعیت، رفتار، احساسات یا نتایج مربوط به یک سیستم یا فرد است. این واژه در علوم اجتماعی و روان‌شناسی به‌عنوان عاملی کلیدی در درک فرایندهای اجتماعی و ارتباطات انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد و نشان‌دهنده تأثیرات متقابل بین اجزای مختلف یک سیستم است (Hale, 2021:32)

عوامل: به مجموعه‌ای از عناصر، شرایط یا ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که می‌توانند بر روی یکدیگر تأثیر بگذارند و منجر به وقوع یک نتیجه یا پدیده خاص شوند. این واژه در علوم مختلف به‌ویژه در علوم اجتماعی و مدیریتی به‌کار می‌رود و به‌عنوان متغیرهای مؤثر در تحلیل و تبیین پدیده‌ها شناخته می‌شود. به‌طورکلی، شناسایی و درک عوامل مختلف می‌تواند به درک بهتر شرایط و نتایج مربوط به یک موضوع خاص کمک کند (Gale, 2020: 19).

سیاست: تعریف سیاست به‌طور معاصر به‌عنوان فرایندی برای حل و فصل تعارضات است. «اندرو هیوود» سیاست را به‌عنوان «فعالیتی می‌داند که از طریق آن مردم قوانینی عمومی را که تحت آن زندگی می‌کنند، می‌سازند، حفظ می‌کنند و اصلاح می‌کنند» (Heywood, 2013: 2).



عوامل سیاسی: «عوامل سیاسی به مجموعه‌ای از عواملی اطلاق می‌شود که تحت تأثیر تصمیمات دولتی و قوانین حکومت‌ها قرار دارند و می‌توانند بر رفتار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افراد و سازمان‌ها تأثیرگذار باشند» (Hill, 2014: 87).

امنیت: امنیت به معنای شرایطی است که در آن افراد، گروه‌ها و جوامع از تهدیدات، خطرات و آسیب‌های احتمالی مصون هستند. این مفهوم نه تنها شامل امنیت فیزیکی، بلکه به جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی نیز گسترش می‌یابد. امنیت به عنوان یک نیاز اساسی در زندگی اجتماعی و فردی شناخته می‌شود و تأمین آن، به حفظ ثبات و توسعه پایدار در جوامع کمک می‌کند. در دنیای معاصر، امنیت به عنوان یک مفهوم چندبعدی در سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها مورد توجه قرار دارد و تحلیل آن نیازمند درک عمیق از عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است (Baldwin, 2021: 15).

۳. مبانی نظری

۳-۱. اسناد بالادستی در خصوص امنیت

بخش مهمی از متون اسلامی به موضوع امنیت پرداخته‌اند که به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسانی مطرح می‌شود. این اهمیت در قرآن کریم و نهج‌البلاغه به وضوح مشهود است.

امنیت در قرآن کریم: در قرآن، امنیت یکی از نعمت‌های بزرگ الهی معرفی شده که بر سایر نیازهای بشری مقدم است. در سوره‌هایی مانند قریش و نحل به نقش امنیت در زندگی روزمره و در مقابل تهدیدات مختلف اشاره شده است. از سوی دیگر، قرآن امنیت واقعی را به ایمان عمیق به خداوند و تقویت

باورهای معنوی مرتبط می‌داند و تأکید می‌کند که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابند (رعد، آیه ۲۸).

قرآن همچنین امنیت اجتماعی را در چهارچوب حکومتی اسلامی مورد بحث قرار داده و تأکید کرده است که اگر مردم نعمات الهی مانند امنیت را کفران کنند، دچار عذاب و رنج خواهند شد (نحل، آیه ۱۱۲). نتیجه‌گیری قرآن بر این است که ایمان به خدا و شکرگزاری موجب امنیت روحی و اجتماعی می‌شود. همچنین، اهمیت امنیت در قرآن با ذکر ۸۵۳ آیه مرتبط با این موضوع (۱۲/۶۱ درصد از کل آیات) نشان داده می‌شود که ۹۵/۲ درصد از این آیات به امنیت روحی و معنوی اشاره دارند.

امنیت از دیدگاه نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علی^(ع) در نهج البلاغه به اهمیت امنیت در جامعه اشاره کرده و فرموده‌اند که بدون امنیت، شادی و مسرت بی‌معنی است. در خطبه دوم، ایشان به فقدان امنیت در عصر جاهلیت اشاره کرده و تأکید کرده‌اند که اسلام برای امنیت فردی و اجتماعی اهمیت زیادی قائل بوده است. به عنوان مثال، حضرت علی^(ع) در عهدنامه مالک اشتر بر انعقاد پیمان‌های صلح برای تأمین امنیت جامعه تأکید کرده‌اند و هدف حکومت اسلامی را تأمین امنیت برای بندگان ستمدیده و اجرای حدود الهی دانسته‌اند.

امنیت از دیدگاه معصومین^(ع): امنیت یکی از اصول اساسی زندگی انسان‌ها است که در متون دینی و آموزه‌های معصومین به وضوح مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر اسلام^(ص) و امامان معصوم^(ع) همواره بر اهمیت امنیت اجتماعی و فردی تأکید داشته‌اند و آن را به عنوان یکی از ارکان اساسی جامعه اسلامی مطرح کرده‌اند؛ ایشان در روایتی می‌فرمایند: «من أصبح آمناً فی سربه، معافاً فی بدنه، عنده قوت یومه، فکأنا حیزت له الدنیا» (کسی که در صبح خود در امنیت باشد، از بیماری در امان باشد و قوت روز خود را داشته باشد، گویی که تمام دنیا برای او فراهم شده است) (الکلینی، ۱۳۸۸: ۲۰).



از سوی دیگر، حضرت علی^(ع) نیز در نهج البلاغه بر نقش امنیت در جامعه تأکید کرده و فرموده‌اند: «العدل أساس الملك» (عدالت، اساس حکومت است). این بیان به وضوح نشان‌دهنده این است که امنیت در سایه عدالت به وجود می‌آید و جامعه‌ای که در آن عدالت حاکم باشد، به امنیت پایدار دست می‌یابد (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، خطبه ۱۳).

امام حسین^(ع) نیز با قیام عاشورا به دنبال تحقق امنیت و آزادی برای مسلمانان بود و شعار «یهات منا الذله» را سر داد که به معنای نپذیرفتن ذلت و ناامنی است. او نشان داد که امنیت واقعی در گرو مبارزه با ظلم و فساد است و برای تحقق آن باید هزینه پرداخت (سید بن طاووس، ۱۳۸۹: ۷۵).

امنیت از دیدگاه امام خمینی^(ره): امام خمینی^(ره) به عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امنیت را یکی از اصول بنیادین هر جامعه‌ای می‌دانستند. ایشان بر این باور بودند که امنیت نه تنها در بعد فیزیکی، بلکه در ابعاد معنوی و اجتماعی نیز باید تحقق یابد. از نظر امام خمینی^(ره)، امنیت پایدار در گرو تحقق عدالت، اخلاق و رعایت حقوق انسان‌ها است. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود فرمودند: «امنیت، ثبات و آرامش در کشور، همواره باید با پیروی از ارزش‌های اسلامی و انسانی همراه باشد و هیچ‌گاه نمی‌توان امنیت را بدون رعایت عدالت و انصاف به دست آورد» این بیان نشان‌دهنده دیدگاه عمیق ایشان نسبت به امنیت به عنوان یک مفهوم چندبُعدی است که باید در بستر عدالت و اخلاق به تحقق برسد (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۷۵).

امام خمینی^(ره) همچنین به لزوم اتحاد و همدلی میان اقشار مختلف جامعه برای حفظ امنیت تأکید داشتند و می‌فرمودند: «اگر مردم در برابر مشکلات و تهدیدات وحدت داشته باشند، هیچ قدرتی نمی‌تواند امنیت آنان را به خطر بیندازد» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۲۰).

این نگاه امام خمینی^(ره) به امنیت به عنوان یک مقوله اجتماعی و سیاسی، به ویژه در شرایط حساس تاریخی و سیاسی ایران در دوران انقلاب اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایشان با تأکید بر نقش مردم و رهبری در حفظ امنیت، به تبیین ضرورت همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی در تأمین امنیت پرداخته‌اند.

امنیت از دیدگاه مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی): ایشان معتقدند که امنیت یک امر عینی و ملموس است که بدون آن، انجام هرگونه فعالیت، از جمله عبادت خداوند، غیرممکن است. از همین رو وجود امنیت برای تداوم حیات جامعه و انجام فعالیت‌های اقتصادی، علمی و اجتماعی ضروری است و ایشان آن را شرط حرکت اجتماعی کشور می‌دانند.

مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) تأکید می‌کنند که امنیت باید همه‌جانبه باشد و شامل ابعاد مختلف ملی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، فکری، مدنی و قضایی شود. ایشان بر اهمیت حفظ امنیت در محیط‌های مختلف اجتماعی، مانند محل کار، خانه و جامعه تأکید دارند.

ایشان وحدت مذاهب اسلامی را برای حفظ امنیت در جامعه اسلام ضروری می‌دانند و معتقدند که دشمنان با ایجاد تفرقه و اختلاف، سعی در آسیب زدن به نهضت بیداری اسلامی دارند.

مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، اختلاف‌های فکری و قومی، مداخله بیگانگان و اختلاف افکنی در بین مسلمانان را از عوامل بروز ناامنی در جهان اسلام معرفی می‌کنند و بر لزوم آگاهی و همدلی مسلمانان در برابر این توطئه‌ها تأکید دارند. همچنین ایشان بر ارتقای بنیه دفاعی، استحکام درونی نظام، آمادگی ملت در دفاع و ضرورت برخورداری از قدرت بازدارندگی تأکید می‌کنند. همچنین، ایشان به اهمیت وحدت کلمه و استقلال در دفاع اشاره دارند (خلیلی باصری،



امنیت از منظر قانون اساسی: تأمین امنیت به‌عنوان یکی از وظایف اصلی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران، در قانون اساسی به شکل جامع و کاملی تبیین شده است. امنیت در ابعاد مختلف شامل قضایی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قابل بررسی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی بر تساوی حقوق، مصونیت جان و مال افراد، آزادی عقیده و حق دادخواهی تأکید دارد (اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۳۳). همچنین، در حوزه اقتصادی، اصولی برای ایجاد رفاه و تأمین نیازهای اجتماعی و شغلی مردم وضع شده است (اصول ۳، ۲۸، ۲۹). در ابعاد فرهنگی و اجتماعی، دولت موظف به ایجاد فضایی مساعد برای رشد اخلاقی و آگاهی عمومی است (اصول ۳، ۱۰، ۲۴، ۳۰). در حوزه سیاسی، اصولی برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود و حفظ آزادی‌ها و استقلال کشور وجود دارد (اصول ۳، ۶، ۱۳، ۲۶). همچنین، نیروی انتظامی به‌عنوان نهاد مسئول تأمین نظم و امنیت، موظف به رعایت حقوق شهروندان و جلوگیری از تعرض به آن‌ها است (قانون ناجا، ۱۳۶۹).

۲-۳. وضعیت سیاسی استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان دارای دو بلوک سیاسی سیستان و بلوک سیاسی بلوچستان است. «بلوک سیاسی سیستان» در بخش‌های شمالی با مرکزیت زابل دارای مشخصات سیاسی زیر است:

۱. اکثرأً شیعه هستند و نسبت به مرکزیت حکومت تعلق فرهنگی دارند؛
۲. مردم این ناحیه از نظر سیاسی اکثرأً همگرا با سیاست‌های حکومت مرکزی هستند؛
۳. سطح همکاری و مشارکت آنان نسبت به ناحیه بلوچستان بالاتر است؛
۴. امنیت نسبی در این منطقه حکم‌فرما است؛
۵. نخبگان سیاسی این منطقه بیشتر در تعامل با حکومت مرکزی هستند.

«بلوک سیاسی بلوچستان» قسمت‌های میانی و جنوبی استان را به خود اختصاص داده‌اند که مرکزیت آن را می‌توان با اندکی تساهل، شهرستان ایرانشهر دانست. این بلوک دارای مشخصات سیاسی زیر است:

۱. اکثراً سنی مذهب هستند؛

۲. ناامنی در این منطقه (منازعات قومی و ...) بیشتر از منطقه شمالی است.

تفاوت‌هایی که در سطح استان قابل مشاهده هستند در کنار سایر تفاوت‌های کلی استان با دیگر نقاط کشور از قبیل زبان، نژاد، مذهب، توسعه نیافتگی، انزوای جغرافیایی و ... شکاف سیاسی میان این استان را با مرکزیت حکومت و سایر استان‌ها، ژرف‌تر ساخته است و انگیزه پدیداری رابطه مرکز و پیرامون شده است. این رابطه نابرابر و نامتعادل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زمینه‌های واگرایی استان را نسبت به حکومت مرکزی تشدید کرده و بی‌ثباتی سیاسی - امنیتی را شدت بخشیده است. افزون بر این، احساس عقب ماندگی از مسیر توسعه در استان، بستر مناسبی را برای ایجاد و تقویت متغیرهای اثرگذار بر مؤلفه‌های امنیت ملی در کشور فراهم کرده است. از سوی دیگر انزوای جغرافیایی این استان در کنار سایر عوامل، موجب شده است که مردم این استان در سرنوشت ملی کمتر شریک باشند و در تحولات بزرگ درون جامعه ملی ایران نقش قابل توجه‌ای نداشته باشند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۷۴).

درواقع سیستان و بلوچستان در صورت فعال شدن متغیرهای سیاسی، ممکن است به منطقه بحرانی تبدیل شود که از درون آن تهدیدهایی علیه حکومت بروز کند. بنابراین، تغییر نگرش بخش مرکزی نسبت به آن، برقراری عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثمرات توسعه ملی تاندازه‌ای می‌تواند به ایجاد و حفظ امنیت ملی کمک نماید (اطاعت، ۱۳۸۹: ۸۴).



۳-۳. تقسیمات کشوری

استان سیستان و بلوچستان با ۱۸۷۵۰۲ کیلومترمربع، ۱۱/۵ درصد کل مساحت کشور را در بر گرفته و از پهناورترین استان‌های کشور است (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۴۰۱: ۳۳).

تقسیمات استانی (شهرستان‌ها) این استان دارای ۲۶ شهرستان، ۵۵ شهر، ۶۷ بخش، ۱۴۲ دهستان و ۱۰۱۳۱ آبادی و مرکز آن زاهدان است. ۲۶ شهرستان استان شامل زاهدان، ایرانشهر، چابهار، خاش، زابل، سراوان، گلشن، مهرستان، راسک، زهک، سرباز، دلگان، هامون، نیمروز، میرجاوه، تفتان، سیب و سوران، بمپور، کنارک، هیرمند، نیک‌شهر، لشار، فنوج، زرآباد، دشتیاری و قصرقند است (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۴۰۱: ۳۳).

تعداد شهرستان، بخش، شهر و دهستان بر اساس تقسیمات کشوری

سال	شهرستان	بخش	شهر	دهستان
۱۳۸۵	۱۰	۳۷	۳۲	۹۸
۱۳۹۰	۱۴	۴۰	۳۷	۱۰۲
۱۳۹۵	۱۹	۴۸	۳۷	۱۱۲
۱۳۹۷	۲۰	۵۰	۴۷	۱۱۵
۱۳۹۸	۲۳	۵۸	۴۹	۱۲۳
۱۳۹۹	۲۴	۵۹	۵۱	۱۲۵
۱۴۰۰	۲۶	۶۷	۵۵	۱۴۲
۱۴۰۱	۲۶	۶۷	۵۵	۱۴۲

منبع: (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۴۰۱: ۶۴)

۴-۳. گروه‌ها و جریان‌های فعال در استان

۳-۴-۱. جندالله (جندالشیطان)

مؤسس این گروه عبدالمجید (عبدالمالک) ریگی شفا فرزند آزاد متولد ۱۳۶۱ در زاهدان است. او مدت کوتاهی در حوزه‌های دینی داخل استان سیستان و بلوچستان از جمله مدرسه علمیه «عین‌العلوم گشت» سراوان تحصیل کرد و سپس به پاکستان رفت و مدت اندکی هم در مدرسه «فاروقیه» ادامه تحصیل داد. ریگی قبل از تشکیل گروهک جندالشیطان در سال ۱۳۷۴ در گروهک سپاه محمد رسول‌الله به سرکردگی مولابخش درخشان معروف به «مولوک» به مدت یک سال عضویت داشت و مدتی

در قندهار افغانستان همراه گروهک طالبان بود. وی در آذر ۱۳۸۱ برای شرکت در جماعت تبلیغی به کردستان رفت ولی در شهر مریوان دستگیر شد و به مدت یک ماه در همدان توسط دادسرای ویژه روحانیت بازداشت شد. وی در دی ماه ۱۳۸۱ به همراه چند نفر از دوستان طلبه خود که در افغانستان با هم بودند، تصمیم گرفتند برای آنچه «احقاق حقوق اهل سنت» و مبارزه با جمهوری اسلامی ایران می‌نامیدند، هم‌پیمان شوند؛ از همین رو گروهی بنام «جندالله» را تشکیل داده و عبدالمالک را به‌عنوان امیر خود انتخاب کردند. سنگ بنای اولیه این گروهک تروریستی در سال ۱۳۸۲ گذاشته شد. این گروهک تروریستی در پوشش فعالیت‌های حقوق بشری و با عنوان حمایت از حقوق اهل سنت و قوم بلوچ، اهداف و برنامه‌های خود را دنبال کرد. از جمله اهداف اصلی این گروهک می‌توان به ایجاد تفرقه بین اقشار جامعه اسلامی با برجسته کردن اختلافات بین شیعه و سنی، تشدید اختلافات قومی و تأکید بر مهاجرت اجباری شهروندان غیر بلوچ از منطقه بلوچستان، تجزیه و جداسازی بلوچستان ایران و تشکیل بلوچستان آزاد و ... اشاره کرد. این گروه اقدامات تروریستی متعددی از جمله ترور، بمب‌گذاری، عملیات انتحاری، آدم‌ربایی به‌قصد اخاذی، سرقت مسلحانه، تیراندازی به نیروهای گشتی و پلیس و عواملی از این دست را مرتکب شد و با این اقدامات سعی در تحمیل اهداف و برنامه‌ها و خواسته‌های بعضاً سیاسی خود به دولت مرکزی داشت. این گروهک از ابزارهای رسانه‌ای مختلفی همچون سایت‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی، مصاحبه با شبکه‌های تلویزیونی فارسی و عربی همانند شبکه‌های العربیه و پارس و ... استفاده و اهداف و برنامه‌هایش را از این راه منتشر می‌کرد. محل استقرار این گروهک تروریستی در «ایالت بلوچستان پاکستان» بود. سرکرده این گروهک، عبدالمالک (عبدالمجید) ریگی شفا در اواخر سال ۱۳۸۸ در یک عملیات اطلاعاتی دستگیر و در سال ۱۳۸۹ اعدام شد و اکنون سرکرده این گروه فردی بنام محمد ظاهر تنیده نارویی است (پایگاه هابیلیان، بی‌تا).



۳-۴-۲. جیش العدل

جیش العدل یک گروه شبه نظامی تروریستی تندروی وهابی مذهب است. این گروه بعد از نابودی جند الله، شروع به فعالیت و اعلام موجودیت کرد. رهبری این گروه را عبدالرحیم ملازاده (صلاح الدین فاروقی) به عهده دارد. این گروه تروریستی تاکنون مسئولیت چند قتل و ترور در نواحی شرقی استان سیستان و بلوچستان را برعهده گرفته است. گروهک جیش العدل، با آموزه های سلفی و باورهای وهابی ازجمله حامیان تکفیری های معارض در جنگ سوریه است و یکی از دلایل اقدامات تروریستی خود علیه جمهوری اسلامی را حمایت از تکفیری های سوری و تروریست های معارض دولت سوریه اعلام کرده است. جیش العدل سه شاخه نظامی دارد که برای سه منطقه در جنوب شرق ایران توسط این گروه پیش بینی شده است. تمامی این گروه ها در اطراف خط مرزی ایران و پاکستان فعالیت می کنند تا بلافاصله پس از عملیات به خاک پاکستان بگریزند. گروه نظامی با نام عبدالملک ملازاده در محدوده شهرستان سرباز و راسک و گروه نظامی شیخ ضیایی در محدوده سراوان و گروه مولوی نعمت الله توحیدی در محدوده میرجاوه و زاهدان فعالیت می کنند. گروه نعمت الله در اولین عملیات خود، یکی از اصلی ترین اعضایش را به نام زبیر اسماعیل زهی از دست داد و تاکنون موفقیت امنیتی خاصی کسب نکرده است. بار اصلی عملیات جیش العدل بر عهده گروه عبدالملک و شیخ ضیایی در مناطق سراوان و سرباز است که راه های گریز و صعب العبور مرزی دارد. این دو گروه به صورت چریکی عمل می کنند و از روش های کمین و بمب های ریموت دار، کنترل و مین های جاده ای استفاده می کنند. این گروه یک شاخه اطلاعاتی با نام زبیر اسماعیل زهی نیز راه اندازی کرده است که عمده مأموریت آن شناسایی چهره های اهل سنت همراه نظام و ترور آنها است و در طرف مقابل حمایت از علمای وهابی و وابسته به سرویس های اطلاعاتی است (پایگاه هایلیان، بی تا).

۳-۴-۳. گروه سپاه صحابه ایران

گروهک سپاه صحابه وابسته به گروهک تروریستی جندالشیطان، در اواخر سال ۱۳۸۹ باهدف فراکنی و فرار از عواقب اقدامهای تروریستی توسط گروهک جندالشیطان تشکیل شد. این گروهک پس از صدور اطلاعیه‌ای موجودیت خود را اعلام کرد و بعد از آن قتل چندین نفر و همچنین انفجار خط لوله گاز قم را پذیرفته است. رهبری این گروهک را در سطح جهانی سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای بیگانه به‌خصوص کشور پاکستان برعهده دارند که با اهداف از پیش طراحی شده و به‌طور سازمان‌یافته به هدایت گروهک مشغول می‌باشند. سرکرده اصلی گروهک شخصی با نام محمدگل شهبخش است. محمدگل شهبخش، داماد خدابخش شهبخش (معدوم)، شرور و قاچاقچی پشتیبانی‌کننده گروهک تروریستی جندالشیطان است. عناصر این گروهک تعدادی از افراد متدین را جذب نموده و همچنین در امر قاچاق مواد مخدر نیز فعال است.

۳-۴-۴. حرکت انصار ایران (جیش الفاتح)

حرکت انصار ایران یک گروهک تروریستی منشعب از گروهک جندالشیطان است. اصلی‌ترین عملیات تروریستی این گروهک ترور مولوی اهل سنت مصطفی جنگی‌زهی است. سرکرده این گروه‌ها شفیع محمد میری، عضو جداشده از گروهک تروریستی جندالله است. شفیع از اعضای اصلی و سابق گروهک تروریستی جندالله است که در پی اختلاف با عبدالرئوف ریگی، برادر عبدالمالک ریگی و ابراهیم عزیزی (سلمان) از اعضای اصلی گروهک تروریستی جندالشیطان، از آن‌ها جداشده و با همکاری القاعده و طالبان درصدد اثبات خود به گروهک جندالشیطان با انجام اقدام تروریستی علیه ایران است.



۳-۴-۵. حزب الفرقان

تعدادی از جوانان فریب‌خورده بلوچ در تابستان ۱۳۷۵ از طوایف مختلف بلوچستان ایران نظیر شه‌بخش، قنبرزهی، ریگی و شهنوازی به سرکردگی مولوی جلیل قنبرزهی معروف به صلاح‌الدین که سابقه همکاری با طالبان داشتند؛ در ولایت «نیمروز افغانستان» گروهکی را شکل دادند تا به‌طور مسلحانه در داخل خاک جمهوری اسلامی ایران اقدام به فعالیت کنند. این گروه با تأسیس پایگاهی در «نیمروز افغانستان» آموزش‌های نظامی را زیر نظر یکی از فرماندهان طالبان به‌نام «اکرام الله» که در گذشته از اعضای حزب اسلامی حکمت‌یار بود و با ظهور طالبان به آنان پیوسته بود، گذراند. رهبری این گروهک را شخصی به‌نام مولوی جلیل قنبرزهی فرزند نور محمد معروف به صلاح‌الدین یا «حاجی» بر عهده داشته است. با توجه به اقدام‌های اطلاعاتی و عملیاتی صورت گرفته وی در تاریخ ۲ فروردین ۱۳۹۱ به هلاکت رسیده است. در حال حاضر فردی با نام مستعار «یاسین» سرپرستی گروه را بر عهده دارد (پایگاه هابیلیان، بی‌تا).

۳-۵. مشکلات مرزی در منطقه جنوب شرق

مرزهای سیاسی به پدیده‌های فضایی اطلاق می‌شوند که منعکس‌کننده قلمرو و حاکمیت یک دولت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان‌ها انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد کنند یا دست‌کم آن‌ها را محدود سازند. مرزهای جنوب شرقی ایران شامل دو قسمت است یکی مرز ایران و افغانستان و دیگری مرز ایران و پاکستان است که بر اساس حکمیت‌های گلد اسمیت (۱۸۷۲) و مک ماهون (۱۹۰۳) انگلیسی تعیین حدود گردیده است. بر این اساس استان سیستان و بلوچستان خطه‌ای است مرزی که بیشتر از آن‌که داشته‌ها و باورهایش در اذهان عمومی انعکاس پیدا کند چهره‌ای منفی از آن انعکاس پیدا کرده است. داشته‌هایی که طی چندین سال اخیر تحت الشعاع مسائل فرامرزی قرار گرفته

است؛ چالش‌های عمده امنیتی مرزی استان سیستان و بلوچستان را می‌توان در مؤلفه‌هایی چون توسعه‌نیافتگی، حاشیه‌ای بودن و دوری از مرکز، فعالیت اشراق و قاچاقچیان مواد مخدر داخل و آن‌طرف مرزها، فعالیت گروه‌های تروریستی، حضور اتباع بیگانه غیرمجاز، قاچاق جرائم سازمان‌یافته، حضور نیروهای خارجی در منطقه، ضعف حاکمیت دولت‌های همسایه در مرز و ... برشمرد. با توجه به این مطالب می‌توان ادعا کرد که بخش قابل‌توجهی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در تأمین امنیت مرزهای جنوب شرق به‌نوعی متأثر از متغیرهای خارج از مرزهای سرزمینی است؛ بنابراین هرگونه آسیب‌پذیری در مرزهای جنوب شرقی کشور نقصان در امنیت داخلی و امنیت ملی را فراهم می‌نماید (اعظمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۳).

۳-۵-۱. حقایق

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ایران در مرزهای شرقی کشمکش و درگیری بر سر استفاده از منابع آب مشترک میان ایران و افغانستان است. سیستان از دیرباز به دلیل جایگاه ویژه جغرافیایی و اقلیمی در ژئوپلیتیک شرق ایران از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. در این میان تالاب هامون به‌عنوان بزرگ‌ترین تالاب آب شیرین ایران که در شمال و شمال غربی دشت سیستان قرار دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خشکسالی‌های متوالی، احداث سد بر فراز رودخانه هیرمند که اصلی‌ترین شریان تغذیه آن است و عدم پایداری کشور افغانستان به رعایت معاهده بین‌المللی سال ۱۳۵۱ مبنی بر آزادسازی ۲۶ مترمکعب آب در ثانیه در رود هیرمند منجر به خشکیدن هامون گردیده و سیستان را به کانون حرکت‌شن‌های روان تبدیل کرده است. این مسئله، خود زمینه‌ساز بروز مشکلات فراوان زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی شده است. در این میان بحران‌های زیست‌محیطی دامنه گسترده‌تری داشته است؛ به‌گونه‌ای که اکثر



گونه‌های گیاهی و گونه‌های جانوران آبی منقرض و پرندگان مجبور به مهاجرت شده‌اند یا در نهایت از بین رفته‌اند. درمجموع خشکیدن هامون به دلیل عدم حل مسئله آب هیرمند، اکوسیستم منطقه را به سمت نابودی کشانده است. همچنین از منظر اقتصادی نیز وابسته بودن اقتصاد منطقه سیستان به مشاغل کشاورزی و صیادی و از بین رفتن این دو شغل، حیات اقتصادی سیستان را نیز با مشکلات زیادی روبه‌رو ساخته است. عدم پایداری افغانستان به حقایق ایران، ریشه در روابط سیاسی ایران و افغانستان دارد. روابط سیاسی و دیپلماسی میان این دو کشور فراز و نشیب‌های زیادی را در مسیر تاریخ به خود دیده که متزلزل بودن نظام سیاسی افغانستان و تغییرات در سیاست خارجی ایران از دلایل این فراز و نشیب‌ها به شمار می‌آید (اسلامی، ۱۳۹۸: ۷۲).

۳-۵-۲. وضعیت سیاسی

با ترسیم مرزهای سیاسی بین ایران و کشورهای هم‌جوار توسط استعمار انگلیس از جمله منطقه سیستان و بلوچستان، اقوام و طوایف بلوچ بین دو کشور ایران و پاکستان قرار گرفتند به گونه‌ای که هرکدام از این قومیت‌ها با نارضایتی‌هایی که از سوی دولت مرکزی متحمل می‌شدند به نوعی زمینه واگرایی در آن‌ها به وجود می‌آمد که این قضیه خود زمینه تهدید و سرپیچی از دولت مرکزی را موجب می‌شد. بنابراین مرزبندی سیاسی بدون توجه به موقعیت فرهنگی و اجتماعی منطقه، تعیین گردیده و همیشه مسائل اختلاف‌برانگیز در آن مسکوت مانده یا به عبارتی دیگر مرزها در نقاط اختلافی ترسیم شده تا همیشه دست‌مایه‌ای برای دخالت بیگانگان و تفرقه‌افکنی وجود داشته باشد؛ این مسئله در مرز سیستان و بلوچستان نیز به وضوح مشهود است و شاهد مثال آن تعیین رود هیرمند به عنوان مرز بین دو کشور ایران و افغانستان و تعیین نکردن حقایق دو کشور که بعدها مشکلات و تنش‌های فراوانی را بین

دو کشور به وجود آوردند و این قضیه تا به امروز نیز به طور کامل حل نشده است.

هم‌جواری با دو کشور (افغانستان و پاکستان) که دارای معضلات و مشکلات عدیده‌ای از جمله ناامنی، عدم اقتدار دولت مرکزی، فقر و بیکاری، فعالیت گروه‌های بنیادگرا و تروریستی، اشرار مسلح و ... هستند، موجب انتقال بخشی از این مشکلات به استان سیستان و بلوچستان به عنوان استان مجاور مرز گردیده است.

در سال‌های پایانی دهه پنجاه و سال‌های ابتدایی دهه شصت میان مردم و حکومت یک شکاف سیاسی مشاهده می‌شد که برآمده از شرایط جغرافیایی و تاریخی مردم منطقه و برخی شرارت‌های داخلی و توطئه‌های خارجی بود در این دوران سطح و میزان مشارکت مردم در مسائل حکومت از جمله انتخابات چندان رضایت‌بخش نبود؛ اما با توجه به خدمات نظام به مردم منطقه از یک‌سو بروز رقابت‌های سیاسی وضعیت سیاسی منطقه تغییر یافت و مردم منطقه باانگیزه‌های سیاسی وارد صحنه سیاسی منطقه شدند. از این پس میزان مشارکت مردم در امور سیاسی و حکومتی، به دو دلیل بهره‌مندی بیشتر از خدمات نظام و نیز رقابت برای کسب قدرت بیشتر یا نفوذ بیشتر در حوزه قدرت افزایش یافت و اهل سنت برای تأثیرگذاری بیشتر در قدرت، فعالیت‌های سیاسی خود را با بعضی از مولوی‌ها گسترش دادند.

۳-۶. چهارچوب نظری

در این پژوهش، موضوع تأثیر عوامل سیاسی بر امنیت منطقه جنوب شرق کشور بر مبنای نظر خبرگان و متخصصان و همچنین با بررسی و تحلیل منابع کتابخانه‌ای و میدانی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با این بُعد (سیاسی) احصا می‌گردد. بر مبنای نظر اساتید و خبرگان، عوامل سیاسی، دارای مؤلفه‌های ساختار سیاسی، احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی، مشکلات و اختلافات



مرزی، روابط و سیاست خارجی تأثیرگذار بر مسائل امنیتی دیپلماسی مرزی، حقیقه است که بر همین اساس موضوع تأثیر امنیت جنوب شرق کشور از نظر مؤلفه‌های یادشده موردبررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

جدول ۱: چهارچوب نظری تحقیق

مؤلفه‌ها	ابعاد
ساختار سیاسی	سیاسی
احزاب، گروه‌ها و تشکلهای سیاسی	
مشکلات و اختلافات مرزی	
روابط و سیاست خارجی	
دیپلماسی مرزی	
حقیقه	

۴. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر نوع هدف توسعه‌ای کاربردی بوده این پژوهش با رویکرد آمیخته است و از آنجایی که این تحقیق در پی کشف تأثیر عوامل جغرافیای طبیعی بر امنیت منطقه جنوب شرق کشور است؛ بنابراین برای احصای ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های این الگو از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی با رویکرد آمیخته استفاده شده است.

گردآوری اطلاعات با دو روش: «کتابخانه‌ای» با بررسی اسناد و مدارک، کتب و مقالات تخصصی و مراجعه به سایت‌های معتبر علمی و «میدانی» با سفر مطالعاتی، مصاحبه و پرسش‌نامه انجام می‌گردد. به منظور تکمیل اطلاعات مورد نیاز در چهارچوب موضوع و مسئله، تحقیق با مشاهده مسائل منطقه مورد مطالعه انجام مصاحبه و توزیع پرسش‌نامه بین خبرگان و کارشناسان و همچنین تشکیل جلسات متعدد اطلاعات موردنظر گردآوری و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. با توجه به اینکه جامعه آماری کلی تحقیق،

۴۰ نفر به صورت چک لیستی برآورد شده است، بنابراین حجم نمونه بر جامعه آماری منطبق بوده و تمام شمار است. ضریب روایی پرسش نامه های تنظیم شده با روش روایی محتوایی و داوری کارشناسان و صاحب نظران صورت خواهد گرفت. بدین صورت که پرسش نامه ها در اختیار تعدادی از خبرگان گذاشته خواهد شد و پس از تصحیح، مورد تایید ایشان قرار خواهد گرفت. برای تعیین پایایی پرسش نامه از روش اجرای آزمایش استفاده خواهد شد.

۵. تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

تفسیر آزمون آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای مؤلفه های بُعد سیاسی:

جدول ۲: ضرایب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی بُعد سیاسی

بُعد	مؤلفه ها	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
سیاسی	گروه ها و جریانات سیاسی	۰/۸۰۶	۰/۷۱۳
	روابط و سیاست خارجی	۰/۸۴۸	۰/۷۶۷
	مشکلات مرزی	۰/۷۹۹	۰/۷۵۲

❖ گروه ها و جریانات سیاسی

مقدار آلفای کرونباخ برای این مؤلفه به میزان ۰/۷۱۳ است که نشان دهنده پایایی قابل قبول و همبستگی مناسب بین سؤالات است. این مقدار به ما اطمینان می دهد که ابزار اندازه گیری به خوبی توانسته است ابعاد مختلف گروه ها و جریانات سیاسی را ارزیابی کند. همچنین، پایایی ترکیبی ۰/۸۰۶ به وضوح نشان دهنده اعتبار بالای این مؤلفه است و نشان می دهد که سؤالات به طور مؤثری مفهوم مورد نظر را اندازه گیری می کنند.

❖ روابط و سیاست خارجی

این مقادیر نشان دهنده پایایی خوب و همبستگی قوی بین سؤالات در این مؤلفه هستند. آلفای کرونباخ ۰/۷۶۷ به ما اطمینان می دهد که ابزار اندازه گیری به خوبی



توانسته است روابط و سیاست خارجی را ارزیابی کند. همچنین پایایی ترکیبی ۰/۸۴۸ نشان‌دهنده این است که سؤالات به‌طور مؤثری ابعاد مختلف سیاست خارجی را پوشش می‌دهند و اعتبار بالایی دارند.

❖ مشکلات مرزی

آلفای کرونباخ در این مؤلفه نیز ۰/۷۵۲ است که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول و همبستگی مناسب بین سؤالات است. پایایی ترکیبی ۰/۷۹۹ نشان می‌دهد که سؤالات به‌خوبی توانسته‌اند مشکلات مرزی را اندازه‌گیری کنند و اعتبار مدل در این زمینه را تأیید می‌کند. این نتایج به‌وضوح نشان می‌دهند که ابزار اندازه‌گیری توانسته است به‌خوبی واقعیت‌های سیاسی و چالش‌های مرتبط با مرزها را منعکس کند.

نتیجه‌گیری: در مجموع، نتایج آزمون آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای تمامی مؤلفه‌ها در بُعد سیاسی نشان‌دهنده پایایی قابل قبول و در برخی موارد پایایی خوب است. این نتایج به پژوهشگران و تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا اطمینان حاصل کنند که ابزارهای اندازه‌گیری طراحی شده به‌طور مؤثری مفاهیم مرتبط را ارزیابی می‌کنند. به‌این‌ترتیب، این ابزارها می‌توانند به‌عنوان مبنایی برای تحلیل‌های عمیق‌تر و تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر داده‌ها مورد استفاده قرار گیرند و به درک بهتری از وضعیت سیاسی و چالش‌های موجود کمک کنند.

جدول ۳: ارتباط بین ابعاد، مؤلفه‌ها و چالش‌های الگوی امنیتی منطقه جنوب شرق

رابطه بین مکنون و آشکار	شاخص‌ها	روابط بین متغیرهای مکنون	ضریب مسیر	رابطه	T Value	P Value
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۴	سیاسی - روابط و سیاست خارجی	۰/۸۰۲	قوی	۱۸/۹۳۵	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۴	سیاسی - ساختار سیاسی استان	۰/۷۳۹	قوی	۱۳/۲۶۵	۰/۰۰۰

رابطه بین متغیر مکنون و آشکار	شاخص‌ها	روابط بین متغیرهای مکنون	ضریب مسیر	رابطه	T Value	P Value
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۴	سیاسی < مشکلات مرزی	۰/۸۳۱	قوی	۲۲/۵۴۱	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۴	سیاسی < گروه‌ها و جریانات سیاسی	۰/۸۹۶	قوی	۳۳/۴۴۱	۰/۰۰۰

در تحلیل روابط بین متغیرهای مکنون و آشکار در بُعد سیاسی، نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده وجود ارتباطات قوی و معنادار بین ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های این حوزه است. به‌ویژه، بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالای ۰/۴ قرار دارد که نشان‌دهنده تأثیر قابل توجه بین مؤلفه‌ها و شاخص‌ها است. همچنین، ضریب مسیر نزدیک به عدد ۱ است. به‌عنوان مثال، ضریب مسیر ۰/۸۹۶ برای رابطه سیاسی با گروه‌ها و جریانات سیاسی و ۰/۸۳۱ برای مشکلات مرزی، تأکید بر این واقعیت دارد که روابط قوی و مؤثری در بین این بُعد و مؤلفه‌ها وجود دارد. علاوه بر این، سطح معناداری (P Value) در تمامی موارد برابر با صفر است که نشان‌دهنده این است که این روابط از لحاظ آماری معنادار هستند و نمی‌توان آن‌ها را به‌طور تصادفی توجیه کرد. به‌ویژه، T Value در تمامی موارد بالاتر از ۱/۹۶ است که این امر نیز تأکید بر معناداری قوی این روابط دارد. به‌عنوان مثال، T Value برابر با ۳۳/۴۴۱ برای رابطه سیاسی با گروه‌ها و جریانات سیاسی و ۲۲/۵۴۱ برای مشکلات مرزی، نشان‌دهنده قدرت بالای این ارتباطات است.



نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بُعد سیاسی: این بُعد از الگوی امنیتی منطقه جنوب شرق کشور با ۴ مؤلفه (ساختار سیاسی استان با چهار شاخص، گروه‌ها و جریان‌ات سیاسی با سه شاخص، روابط و سیاست خارجی با چهار شاخص، مشکلات مرزی با چهار شاخص) تبیین و ضریب مسیر $0/902$ نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین الگوی امنیتی منطقه جنوب شرق و بُعد سیاسی وجود دارد و اگر بُعد سیاسی یک واحد افزایش یابد به شرط ثابت نگه‌داشتن سایر مؤلفه‌ها و ابعاد، الگوی امنیتی منطقه جنوب شرق کشور $0/902$ واحد افزایش خواهد یافت و p -value که به صورت $0/000$ گزارش شده است، نشان می‌دهد که این رابطه با اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است. بنابراین از بُعد سیاسی به عنوان یکی از بُعد‌های الگوی امنیتی منطقه جنوب شرق حمایت می‌شود.

مؤلفه روابط و سیاست خارجی: این مؤلفه از بُعد سیاسی تبیین و ضریب مسیر $0/802$ نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین بُعد سیاسی و روابط و سیاست خارجی وجود دارد و اگر این مؤلفه یک واحد افزایش یابد به شرط ثابت نگه‌داشتن سایر مؤلفه‌ها و ابعاد، بُعد سیاسی $0/802$ واحد افزایش خواهد یافت و p -value که به صورت $0/000$ گزارش شده است، نشان می‌دهد که این رابطه با اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است. بنابراین از مؤلفه روابط و سیاست خارجی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بُعد سیاسی حمایت می‌شود.

مؤلفه ساختار سیاسی استان: این مؤلفه از بُعد سیاسی تبیین و ضریب مسیر $0/739$ نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین بُعد سیاسی و ساختار سیاسی استان وجود دارد و اگر این مؤلفه یک واحد افزایش یابد به شرط ثابت نگه‌داشتن سایر مؤلفه‌ها و ابعاد، بُعد سیاسی $0/739$ واحد افزایش خواهد یافت و p -value که به صورت $0/000$ گزارش شده است، نشان می‌دهد که این رابطه با اطمینان ۹۵

درصد معنی دار است. بنابراین از مؤلفه ساختار سیاسی استان به عنوان یکی از مؤلفه‌های بُعد سیاسی حمایت می‌شود.

مؤلفه مشکلات مرزی: این مؤلفه از بُعد سیاسی تبیین و ضریب مسیر $0/831$ نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین بُعد سیاسی و مشکلات مرزی وجود دارد و اگر این مؤلفه یک واحد افزایش یابد به شرط ثابت نگه داشتن سایر مؤلفه‌ها و ابعاد، بُعد سیاسی $0/831$ واحد افزایش خواهد یافت و p -value که به صورت $0/000$ گزارش شده است، نشان می‌دهد که این رابطه با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است. بنابراین از مؤلفه مشکلات مرزی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بُعد سیاسی حمایت می‌شود.

مؤلفه گروه‌ها و جریانات سیاسی: این مؤلفه از بُعد سیاسی تبیین و ضریب مسیر $0/896$ نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین بُعد سیاسی و مشکلات مرزی وجود دارد و اگر این مؤلفه یک واحد افزایش یابد به شرط ثابت نگه داشتن سایر مؤلفه‌ها و ابعاد، بُعد سیاسی $0/896$ واحد افزایش خواهد یافت و p -value که به صورت $0/000$ گزارش شده است، نشان می‌دهد که این رابطه با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است. بنابراین از مؤلفه گروه‌ها و جریانات سیاسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بُعد سیاسی حمایت می‌شود.

مؤلفه روابط و سیاست خارجی: با چهار شاخص مورد ارزیابی قرار گرفت که شاخص ضعف در پیگیری توافقات آبی و مرزی با همسایگان با بار عاملی $0/822$ در رتبه اول، قرار دارد.

مؤلفه ساختار سیاسی استان: با چهار شاخص مورد ارزیابی قرار گرفت که شاخص مشارکت ضعیف مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجرایی با بار عاملی $0/929$ در رتبه اول، قرار دارد.



مؤلفه مشکلات مرزی: با چهار شاخص مورد ارزیابی قرار گرفت که شاخص ضعف دیپلماسی مؤثر مرزی برای کاهش قاجاق و نفوذ غیرقانونی با بار عاملی ۰/۸۸۳ در رتبه اول، قرار دارد.

مؤلفه گروه‌ها و جریانات سیاسی: با سه شاخص مورد ارزیابی قرار گرفت که شاخص چالش‌های مربوط به رقابت‌های سیاسی محلی و اثرات آن بر امنیت با بار عاملی ۰/۸۵۴ در رتبه اول، قرار دارد.

پیشنهادهای

۱. توسعه رویکردهای چندجانبه‌گرایانه: از آنجاکه امنیت منطقه جنوب شرق تحت تأثیر عوامل سیاسی داخلی و خارجی قرار دارد، پیشنهاد می‌شود رویکردهای چندجانبه‌گرایانه با تمرکز بر دیپلماسی منطقه‌ای و همکاری با کشورهای همسایه (به‌ویژه پاکستان و افغانستان) در دستور کار قرار گیرد. این همکاری‌ها می‌تواند شامل تبادل اطلاعات، مدیریت مشترک مرزها و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای مشترک باشد؛
۲. تقویت حکمرانی محلی و مشارکت مردمی: با توجه به نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در امنیت منطقه، پیشنهاد می‌شود دولت با تقویت حکمرانی محلی، مشارکت دادن نخبگان و جوامع محلی در فرایندهای تصمیم‌گیری و توسعه و توجه به مطالبات و نیازهای آن‌ها، زمینه را برای افزایش اعتماد عمومی و کاهش زمینه‌های نارضایتی و ناامنی فراهم کند؛

۳. تأمین توسعه متوازن و پایدار: از آنجاکه فقر، بیکاری و نابرابری‌های اقتصادی از عوامل مهم تشدید ناامنی در منطقه هستند، پیشنهاد می‌شود دولت با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی، حمایت از کارآفرینی و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و توزیع عادلانه‌تر منابع، به توسعه متوازن و پایدار منطقه کمک کند. این

اقدامات می‌تواند شامل ایجاد مناطق آزاد تجاری، توسعه گردشگری و حمایت از صنایع دستی محلی باشد.



فهرست منابع

- الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). *الکافی*. ج ۲. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- اسلامی، روح اله؛ سرحدی، رضا (۱۳۹۸). *راهبردهای دیپلماسی تأمین حقیقه رودخانه هیرمند*، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۸، شماره ۳۰، صفحه ۷۱-۱۰۲.
- اطاعت، جواد؛ موسوی، سیده زهرا (۱۳۹۰). *رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان و بلوچستان*. ژئوپلیتیک، سال ۷، شماره اول، ۸۷-۷۰.
- اعظمی، هادی؛ خلیلی، محسن؛ دهمرده، معصومه (۱۳۹۱). *بررسی و تحلیل چالش‌های امنیتی مرزهای استان سیستان و بلوچستان*. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها.
- باصری، خلیل (۱۴۰۲). *الگوی ارتقای امنیت جنوب شرق کشور بر اساس توسعه پایدار (مطالعه موردی مشترک ایران و پاکستان)*. رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- پولادی و همکاران (۱۳۹۶). *الگوسازی عوامل تأمین‌کننده امنیت پایدار مرزی؛ (مطالعه موردی مرزهای شرقی ایران)* دانشگاه عالی دفاع ملی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران، انتشارات سمت.
- سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان (۱۴۰۱)
- سید بن طاووس (۱۳۸۹). *لهوف*. تهران: انتشارات اسوه.
- شعبانی، ناصر (۱۳۹۳). *تحلیل راهبردی مسائل امنیتی استان سیستان و بلوچستان*. پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا.
- شناسنامه امنیتی بررسی و تحلیل وقایع سیاسی امنیت استان سیستان و بلوچستان از انقلاب تاکنون (۱۳۹۸). پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا.
- نهج البلاغه (۱۴۱۴). *نهج البلاغه*. قم: مؤسسه البحوث الاسلامیه.

- هابیلیان (پایگاه مطالعات تروریسم)، بخش معرفی گروهک‌های تروریستی
<https://www.habilian.ir>

References

- Heywood, A. (2013). *Politics: An introduction* (4th ed.) Palgrave Macmillan.
- Gale, A. (2020). *Geographical Influences on Security: Analyzing the Impact of Natural Factors*. Springer.
- Smith, J. (2022). *Natural Geography: Understanding the Earth's Processes and Features*. Academic Press.
- Miller, R. (2023). *Natural Factors in Human Geography: An Interdisciplinary Approach*. Springer.
- Baldwin, D. A. (2021). *Security Studies: A Reader*. Routledge
- Hill, C. (2014). *The Changing Politics of Foreign Policy*. Palgrave Macmillan, p87